

فهرست مطالب

کتاب اول - آیین دادرسی کیفری	۹
بخش اول - کلیات	۹
فصل اول - تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن	۹
فصل دوم - دعوای عمومی و دعوای خصوصی	۱۰
بخش دوم - کشف جرم و تحقیقات مقدماتی	۱۹
فصل اول - دادسرا و حدود صلاحیت آن	۱۹
فصل دوم - ضابطان دادگستری و تکالیف آنان	۲۱
فصل سوم - وظایف و اختیارات دادستان	۳۴
فصل چهارم - وظایف و اختیارات بازپرس	۴۵
مبحث اول - اختیارات بازپرس و حدود آن	۴۵
مبحث دوم - صلاحیت بازپرس	۵۳
فصل پنجم - معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی	۵۵
فصل ششم - احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان	۶۷
مبحث اول - احضار، جلب و تحقیق از متهم	۶۷
مبحث دوم - احضار و تحقیق از شهود و مطلعان	۷۷
فصل هفتم - قرارهای تأمین و نظارت قضائی	۸۱
فصل هشتم - اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات	۹۹
فصل نهم - تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان	۱۰۶
فصل دهم - وظایف و اختیارات دادستان کل کشور	۱۰۷
بخش سوم - دادگاه‌های کیفری، رسیدگی و صدور رأی	۱۱۰
فصل اول - تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری	۱۱۰
فصل دوم - رسیدگی به ادله اثبات	۱۲۷
فصل سوم - رسیدگی در دادگاه‌های کیفری	۱۳۰
مبحث اول - کیفیت شروع به رسیدگی	۱۳۰
مبحث دوم - ترتیب رسیدگی	۱۳۹
مبحث سوم - صدور رأی	۱۴۳
فصل چهارم - رسیدگی در دادگاه کیفری یک	۱۴۵
مبحث اول - مقدمات رسیدگی	۱۴۵
مبحث دوم - ترتیب رسیدگی	۱۴۸
مبحث سوم - صدور رأی	۱۵۰
فصل پنجم - رأی غیابی و وخواهی	۱۵۱
فصل ششم - رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان	۱۵۲
مبحث اول - تشکیلات	۱۵۲
مبحث دوم - ترتیب رسیدگی	۱۵۳
فصل هفتم - احاله	۱۵۵
فصل هشتم - رد دادرس	۱۵۶
بخش چهارم - اعتراض به آراء	۱۶۰

فصل اول - کلیات.....	۱۶۰
فصل دوم - کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان.....	۱۷۲
فصل سوم - کیفیت رسیدگی دیوان عالی کشور.....	۱۷۷
فصل چهارم - اعاده دادرسی.....	۱۸۱
بخش پنجم - اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی.....	۱۸۷
فصل اول - کلیات.....	۱۸۷
فصل دوم - اجرای مجازات حبس.....	۱۹۵
فصل سوم - اجرای محکومیت‌های مالی.....	۲۰۱
فصل چهارم - اجرای سایر احکام کیفری.....	۲۰۶
فصل پنجم - اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی.....	۲۰۸
بخش ششم - هزینه دادرسی.....	۲۱۱
بخش هفتم - سایر مقررات.....	۲۱۴
قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی.....	۲۱۷
بخش هشتم - آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح.....	۲۱۷
فصل اول - کلیات.....	۲۱۷
فصل دوم - تشکیلات دادسرا و دادگاه‌های نظامی.....	۲۱۸
فصل سوم - صلاحیت.....	۲۲۲
فصل چهارم - کشف جرم و تحقیقات مقدماتی.....	۲۲۳
مبحث اول - ضابطان نظامی و تکالیف آنان.....	۲۲۳
مبحث دوم - کارشناسی.....	۲۲۷
مبحث سوم - احضار.....	۲۲۷
مبحث چهارم - قرار بازداشت موقت.....	۲۲۸
مبحث پنجم - مرور زمان.....	۲۳۰
فصل پنجم - وکالت در دادسرا و دادگاه نظامی.....	۲۳۰
فصل ششم - ترتیب رسیدگی، صدور و ابلاغ رأی.....	۲۳۱
فصل هفتم - تجدیدنظر و اعاده دادرسی.....	۲۳۲
فصل هشتم - اجرای احکام.....	۲۳۳
فصل نهم - زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظامی.....	۲۳۴
بخش نهم - دادرسی الکترونیکی.....	۲۳۶
بخش دهم - آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای.....	۲۴۳
بخش یازدهم - آیین دادرسی جرائم اشخاص حقوقی.....	۲۴۸
بخش دوازدهم - سایر مقررات.....	۲۵۰
قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب.....	۲۵۱
قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی.....	۲۵۹

کتاب اول – آیین دادرسی کیفری

بخش اول – کلیات

فصل اول – تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن

ماده ۱ – آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع می شود.

ماده ۲ – دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.

ماده ۳ – مراجع قضائی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می شود، جلوگیری کنند.

ماده ۴ – اصل، برائت است. هر گونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

ماده ۵ – متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود.

ماده ۶ - متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

ماده ۷ - در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آن که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.^۱

فصل دوم - دعوای عمومی و دعوای خصوصی

ماده ۸ - محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است، می‌تواند دو حیثیت داشته باشد:

الف - حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی

ب - حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین

ماده ۹ - ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود:

الف - دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی؛

ب - دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حد قذف و قصاص

ماده ۱۰ - بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی»^۲ نامیده می‌شود.

۱- اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴

ماده ۱۱ - تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است.

ماده ۱۲ - تعقیب متهم در جرایم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.

تبصره - تعیین جرایم قابل گذشت به موجب قانون است.^۱

ماده ۱۳ - تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:^۲

۱- ماده ۱۰۴ (اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳) و (اصلاحی ۱۴۰۳/۲/۲۵) - علاوه بر جرایم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حدّ کذب این قانون و جرایمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می‌باشند، جرایم مندرج در مواد (۵۳۶)، (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۰۹)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۱)، (۶۴۷)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۳)، (۶۷۴)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰) (در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد)، (۶۹۲)، (۶۹۳)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹)، (۷۰۰)، (۷۱۶)، (۷۱۷) و (۷۴۴) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و شروع و معاونت در تمام جرائم مزبور، همچنین کلیه جرایم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر ارتكابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه‌دیده، مشمول تبصره (۱) ماده (۱۰۰) این قانون و ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ بوده و قابل گذشت است.

۲- رأی وحدت رویه شماره ۸۲۲ - ۳۱/۳/۱۴۰۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور
جرم تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها جرایم مستمر به شمار نمی‌آید و از تاریخ وقوع، مشمول مقررات عام مرور زمان تعقیب در جرایم تعزیری موضوع ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌شود.

با توجه به عبارات به کار رفته در ماده ۱۰ (اصلاحی ۱/۸/۱۳۸۵) قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۱۳۷۴، «ایجاد بنا»، «برداشتن یا افزایش شن و ماسه» و «سایر اقداماتی که بنا به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی تغییر کاربری محسوب می‌گردد»، رکن مادی بزه تغییر غیرمجاز کاربری اراضی موضوع ماده ۳ این قانون را تشکیل می‌دهد و با ارتكاب هر یک از این اقدامات، بزه یادشده واقع می‌شود و با عنایت به اینکه تداوم آثار و نتایج جرم، به معنای استمرار ارتكاب رکن مادی آن نیست، بنابراین، بزه مذکور از جرایم مستمر به شمار نمی‌آید و از تاریخ وقوع، مشمول مقررات عام مرور زمان تعقیب در جرایم تعزیری موضوع ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌شود.

الف - فوت متهم یا محکوم علیه؛

ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت^۱

پ - شمول عفو

ت - نسخ مجازات قانونی

ث - شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون

ج - توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون

چ - اعتبار امر مختوم

تبصره ۱ - درباره دیه مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌گردد.

تبصره ۲ - هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه در جرائم حق الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۹۳/۵۰۲ مورخ ۹۳/۳/۵

پاسخ: ۱ - با صدور حکم، هر چند حکم غیابی، دادگاه فارغ از رسیدگی است و مادام که واخواهی نشده باشد، مجاز به ورود به موضوع و صدور قرار موقوفی تعقیب نیست.

۲ - پس از صدور حکم غیابی و ابلاغ آن مطابق مقررات قانونی، پرونده به دادرسی (واحد اجرای احکام کیفری) جهت اجرای حکم ارسال می‌شود و چنانچه با گذشت زمان، موضوع مشمول مرور زمان باشد، دادستان (دادیار اجرای احکام) با توجه به بند [ث] ماده [۱۳] ق.آ.د.ک، قرار موقوفی اجراء را صادر خواهد کرد.

۳ - با لحاظ شمول مرور زمان، موجبی برای احضار و جلب متهم (محکوم علیه غیابی) نیست.

۱- رأی وحدت رویه شماره ۵۲۵ مورخ ۱۳۶۸/۱/۲۹

در جرایم قابل گذشت تا زمانی که گذشت شاکی احراز نشود دعوی کیفری قابل رسیدگی خواهد بود.

متن رأی: نظر به ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ (ماده ۱۳ فعلی) که موقوفی تعقیب امر جزایی را با شرایط خاصی تجویز نموده که از آن جمله صلح و سازش طرفین در جرایم قابل گذشت است و با توجه به اینکه مطالبه نفقه زوجه از حقوق الناس می‌باشد لذا تا زمانی که گذشت زوجه از تعقیب شکایت جزایی احراز نشود، دعوی کیفری قابل رسیدگی خواهد بود.

وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می شود و تعقیب و دادرسی ادامه می یابد.^۱

ماده ۱۴ - شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.

تبصره ۱ - زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

تبصره ۲ - منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. هم چنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود.

ماده ۱۵ - پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.^۲

۱- اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۱۱۰۷ مورخ ۱۳۹۴/۵/۵:

حکم قسمت اخیر تبصره یک ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دایر بر اینکه عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی نسبت به مجازات هایی که جنبه حق الناسی دارد، مانند قصاص و دیه، مانع از تعقیب و رسیدگی نیست، گرچه همسو با تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است؛ اما تبصره ۲ ماده اخیرالذکر حاوی قیدی است که اطلاق حکم مزبور تبصره ۱ ماده صدرالذکر را مقید می سازد.

۲- رأی وحدت رویه شماره ۷۹۱ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۷:

با عنایت به ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دادگاه عمومی حقوقی تهران منوط به احراز تقصیر یا

ماده ۱۶ - هرگاه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آن که مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می‌تواند با استرداد دعوی، به دادگاه کیفری مراجعه کند. اما چنانچه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می‌تواند با استرداد دعوی، برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند. چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد نیازی به پرداخت مجدد آن نیست.

ماده ۱۷ - دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند، مگر آن که رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در این صورت، دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوای ضرر و زیان رسیدگی می‌نماید.^۱

اشتباه قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات است. بنابراین مدعی ورود خسارت مذکور ابتدا باید درخواست خود را به دادگاه عالی انتظامی قضات تقدیم و پس از احراز تقصیر یا اشتباه قاضی، دعوا را حسب مورد، به طرفیت قاضی مقصر یا دولت در دادگاه عمومی حقوقی صالح اقامه کند.

رأی وحدت رویه شماره ۷۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۸: ماده ۳ (اصلاحی ۱۳۸۵/۸/۱) قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ که دادگاه را مکلف کرده ضمن صدور حکم مجازات برای مالکان یا متصرفان اراضی زراعی و باغ‌های موضوع این قانون که به صورت غیرمجاز و بدون اخذ مجوز از کمیسیون موضوع تبصره (۱) اصلاحی ۱۳۸۵/۸/۱ ماده (۱) قانون اقدام به تغییر کاربری نمایند، حکم بر قلع و قمع بنا نیز صادر نماید با توجه به اینکه قلع و قمع بنا جزء لاینفک حکم کیفری است، نسبت به جرایم واقع شده پیش از لازم‌الاجرا شدن آن ماده حاکمیت ندارد.

۱- رأی وحدت رویه شماره ۱۰ مورخ ۱۳۶۲/۳/۲۳

صرف‌نظر از اینکه ادعای خسارت مدعیان خصوصی اعم است از دیه شرعی مورد نظر قانونگذار و ضرر و زیان ناشی از جرم چون با فرض دیه بودن آن یا قطعیت حکم دادگاه

کیفری و فراغت مرجع مزبور در امر جزایی طرح مجدد مطالبه دیه در دادگاه کیفری مجوزی ندارد و از طرفی با مشروع تلقی نشدن حکم جزایی قطعی سابق‌الصدور، محکمه حقوق نمی‌تواند آن را ملاک صدور قرار عدم صلاحیت خود قرار دهد بلکه باید با توجه به مقررات حاکم موجود و منظور داشتن تمام جهات قضیه در ماهیت امر بیان عقیده نماید از این حیث رأی شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور که در ما نحن فیه به صلاحیت محاکم حقوقی اظهارنظر نموده صحیح و موجه تشخیص می‌شود.

رأی وحدت رویه شماره ۵۸۲ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۲

مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم عنوان دعوی حقوقی دارد و مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد.

رأی وحدت رویه شماره ۷۰۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۱

در خصوص عدم نیاز به تقدیم دادخواست قلع و قمع بنا موضوع ماده ۳ قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها

متن رأی: چون مطابق ماده ۳ قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱، کلیه مالکان یا متصرفان اراضی زراعی و باغ‌های موضوع این قانون که به صورت غیرمجاز و بدون اخذ مجوز از کمیسیون مربوطه اقدام به تغییر کاربری نمایند، علاوه بر قلع و قمع بنا به سایر مجازات‌های مذکور در این ماده محکوم می‌شوند و عبارت «... علاوه بر قلع و قمع بنا...» در صدر مجازات‌های مقرر به تقدم آن نسبت به مجازات‌های دیگر ماده مزبور، دلالت می‌نماید و معلوم می‌دارد که قلع و قمع بنا جزء لاینفک حکم کیفری است، کما اینکه در تبصره ۲ ماده ۱۰ این قانون نیز جلوگیری از ادامه عملیات غیرمجاز و توقف آن، حتی به صورت قلع و قمع بنای غیرمجاز، البته با رعایت مقررات قانونی به مأمورین کشف و تعقیب بزه موصوف تکلیف گردیده است، لذا با توجه به اهمیت حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها و صراحت قانونی فوق‌الاشعار، صدور حکم به قلع و قمع بنای غیرمجاز، به عنوان تکلیف قانونی، وظیفه دادگاه صادرکننده حکم کیفری بوده و نیازی به تقدیم دادخواست از سوی اداره شاکی ندارد.

رأی وحدت رویه شماره ۵۶ مورخ ۱۳۵۲/۷/۲۵

نظر به اینکه طبق مواد ۹ و ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و اصل کلی شخصی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده می‌تواند به تبع ادعای دادستان مطالبه ضرر و زیان نماید و هرگاه دادگاه جزا متهم را مجرم تشخیص دهد مکلف است به دادخواست تاوانخواه که با رعایت تشریفات مقرر تقدیم شده رسیدگی و ضمن صدور حکم جزایی حکم ضرر و زیان وی را نیز با عنایت به دلایل موجود صادر نماید لذا در نظایر موضوع که مداخله متهم در منازعه ثابت و مورد لحوق حکم قرار گرفته دادگاه نمی‌تواند به این استدلال که مرتکب جرح